



الگوی اسلامی ایرانی حمایت از حقایق با نگاهی به الگوی مشابه در اتحادیه اروپا

علی یاری خواه^۱، سید محمود میرخلیلی^۲، حسن عالی پور^۳

۳۴

دوره ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۳۴
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱-۱۲-۱۴

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲-۰۵-۱۰

صص: ۲۱۴-۲۰۱

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی صنعت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

هر شخص می‌تواند در مورد یک واقعه تاریخی اظهارنظرهایی نماید، اما این اظهارات صحیح یا غلط می‌تواند آثار اجتماعی قابل توجهی داشته باشد و از این رو مستلزم دخالت حکومت‌ها باهدف وضع محدودیت‌های این حوزه می‌باشد. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و هدف آن است که الگوی اسلامی-ایرانی حمایت از حقایق را مورد واکاوی قرار دهد. چنین نتیجه شد که تحقیقات آزاد در خصوص حقایق نمی‌تواند مطلق تلقی شود و در هیچ جای جهان چنین آزادی اعطاء نشده است. بنابراین مصالح اجتماعی ایجاب کرده که اظهار نظرات در خصوص برخی وقایع تاریخی جرم‌انگاری شده که این مهم می‌تواند جزء مقدسات اسلامی باشد. در عین حال گاه به فرض واقعیت بودن اظهارات نیز می‌بایست برای تحقیقات این حوزه نیز محدودیت ایجاد نمود. در کشور ما مجازات حد اعدام برای اهانت کنندگان به مقدسات اسلامی پیش‌بینی شده است که الگوی اسلامی این مهم را کامل کرده، اما در خصوص مصلحت اجتماعی بحثی به میان نیامده که نیازمند توجه قانون‌گذاران کیفری در این خصوص است. قانون مجازات اسلامی نیز در این خصوص کامل نبوده که پیشنهاد می‌شود در این خصوص مجازات‌های بازدارنده برای انکار برخی وقایع تاریخی تعیین گردد.

واژه‌های کلیدی:

حقیقت، انکار واقعه، مجازات حد، مقدسات، منافع.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس ارس دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) alimoradbareh@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران



۱. مقدمه و بیان مسئله

به علل مختلف، برخی وقایع انکارناپذیر تلقی شده و نباید در خصوص آنها شبهه افکنی ایجاد شود و معمولاً حمایت افکار عمومی از این حقایق، عامل بازدارنده محسوب می‌شود. این وقایع بسته به ارزش‌های هر جامعه متفاوت بوده و انتظار می‌رود که مسئولین نیز در این خصوص تدابیری بیاندیشند. لذا بحث در خصوص صحت برخی وقایع، به هیچ وجه صحیح نبوده و ممکن است دارای آثار نامطلوبی باشد و می‌بایست از برخی ارزش‌های اجتماعی حمایت کرد که در مقابل آن، جرم ارتکاب می‌یابد. بنابراین حمایت کیفری ناظر بر ارزش‌ها بوده و ضمن جرم‌انگاری عامل متقابل، به حمایت از انکارناپذیری پرداخته می‌شود. بنابراین حمایت از انکارناپذیری حقایق در حیطه سیاست جنایی مشارکتی جای دارد. در میان قوانین و مقررات قبل از انقلاب اسلامی، نهادهایی که به‌واقع نقش مؤثری در شکل‌گیری سیاست جنایی مشارکتی داشتند، خانه‌های انصاف و شوراهای داوری بودند. ایجاد خانه‌های انصاف به‌موجب تصویب‌نامه قانونی مصوب مردادماه ۱۳۴۲ بود و در اردیبهشت ۱۳۴۴ قانون ناظر به تأسیس آنها به تصویب رسید. این نهاد شبه قضایی که بیشتر نمونه‌های آن در برخی از کشورهای نزدیک مانند هندوستان ایجاد شده بود، صرفاً در روستاهای کشور فعالیت می‌کرد و هدف آن‌ها ساماندهی امور قضایی ساده روستاییان بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی و در نهایت کاهش حجم پرونده‌های وارده به محاکم دادگستری بود. در روستاهای کم‌جمعیت نیز برای چند روستا یک‌خانه انصاف تشکیل می‌شد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۵۰).

درواقع، خواست عمومی حکومت‌ها را برای وضع محدودیت‌های این حوزه فرا می‌خواند که نیاز است قانونگذار به این مهم توجه نماید.

از اقدامات دیگر که در کنار تشکیل خانه‌های انصاف در دوره پهلوی دوم در جهت واگذاری امور قضایی به مردم صورت گرفت، تشکیل شوراهای داوری بود و شوراهای داوری مراجع شبه قضایی مردمی بودند که در مناطق شهرنشین فعالیت می‌کردند. پس از تشکیل و آغاز به کار موفقیت‌آمیز خانه‌های انصاف به‌موجب قانون مصوب سال ۱۳۴۵ شوراهای داوری به وجود آمدند. براساس ماده ۲ این قانون شورای داوری هر محله از پنج نفر از معتمدان محلی برای مدت ۳ سال توسط مردم همان منطقه انتخاب می‌شدند. هر شورای داوری یک نفر مشاور قضایی از بین قضات، وکلای دادگستری با سردفتران اسناد رسمی داشت. از بین پنج نفر مذکور، رئیس، دو نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل با رأی مخفی انتخاب شوندگان عهده‌دار امور می‌شدند (حسینی، ۱۳۹۴: ۷۴).

کشورهای اروپایی باوجود شعارهای متعدد در خصوص آزادی بیان، در مواردی که منافع آنها ایجاب نماید؛ مانع از بحث در یک مورد مشخص شده‌اند. این مهم از تفاوت‌های علوم حقوق و سیاست نشأت گرفته و در حقوق بین‌المللی جنبه برجسته‌تری دارد. دولت‌ها با توجه به قدرتی که از آن برخوردارند، در مواقعی که منافع آنها ایجاب نماید، برای عبور از حقوق و عدالت ذره‌ای تردید نکرده و این مهم موجب ضعف حقوق بین‌الملل گردیده است. درصحنه حقوق داخلی نیز این مهم تا حدی مشهود است. کشورهای اروپایی باوجود شعار آزادی، انکار واقعه هولوکاست را جرم خوانده، چراکه منافع سیاسی آنها ایجاب می‌نماید. بنابراین انکارناپذیری وقایع، با منافع حاصل از نفی اثبات آن ارتباط مستقیم داشته و معیار انکارناپذیری تعریف می‌گردد.

جنبه‌های حمایت کیفری از وقایع غیرقابل انکار، جرم‌انگاری انکار می‌باشد. البته اقدامات فرهنگی برای تقویت ارزش یک واقعه تاریخی می‌تواند در مسائل حقوق عمومی مورد بحث واقع شود. اما قانون‌گذار کیفری باهدف بازدارندگی، مجازات‌هایی تعیین کرده



و در عین حال برای شناسایی آن جرم نیز سازوکارهایی را مشخص می‌نماید. بنابراین باهدف حمایت از ارزش‌های جامعه، قانون‌گذار کیفری می‌تواند ضمن تدوین سازوکار شناسایی واقعه مدنظر، مجازات آن را به نحوی تعیین کرده که جنبه بازدارنده داشته باشد. بنابراین حمایت کیفری از وقایع غیرقابل انکار ممکن است.

ماحصل بحث اینکه قانون‌گذار به جز بحث حدود شرعی، سایر مصادیق انکار حقایق را جرم‌انگاری نکرده و نیاز است که ضمن شناسایی مصادیق مختلف حقایق انکارناپذیر، مجازات متناسب با جرم را در نظر داشته و در عین حال ادله اثبات مناسب آن را نیز مدنظر داشته باشد. با توجه به مطالب مطروحه در این پژوهش محقق بر آن شد که سیاست‌گذاری کیفری ایران در قبال انکار حقایق تاریخی با نگاهی به حقوق کیفری کشورهای اتحادیه اروپا را مورد بررسی قرار دهد.

۲. سوالات و اهداف

سؤال پژوهش اینکه چالش‌های الگوی اسلامی - ایرانی حمایت کیفری از حقایق غیرقابل انکار چیست؟ هدف پژوهش نیز پاسخ‌دهی به این سؤال می‌باشد.

۳. پیشینه پژوهش

منابع تحقیقی مرتبطی با موضوع تحقیق، بسیار انگشت‌شمار بوده و در این قسمت به مرتبط‌ترین تحقیقات اشاره شده است. نیکویی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه دانشجویی خود با عنوان «از حقوق طبیعی تا اثبات‌گرایی حقوقی» برتری معیار وقایع‌نگاری را عامل تعیین غیرقابل انکار بودن حقایق دانست که عرف نیز بر آن اثری مهم دارد. پرهام (۱۳۹۳) در کتاب ترجمه‌شده خود با عنوان «حقوق طبیعی و تاریخ» بحثی به نام صلاحیت علمی تحقیقاتی مطرح ساخت و رد/تائید وقایع خارج از صلاحیت را مستلزم جرم‌انگاری نمود. پیشوائی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه دانشجویی با عنوان «تحلیل فقهی و حقوقی اسباب تملک در مالکیت فکری» به بررسی وقایع مولد اشاره داشت و آن‌ها از مسائل مشترک حقوق کیفری و حقوق خصوصی دانست. چنین عنوان شد که گاه ملت‌ها با اهداف سیاسی برخی افتخارات را به نام خود ثبت می‌نمایند. قاری سید فاطمی و نیکویی (۱۳۹۶) در یک تحقیق با عنوان «حقوق طبیعی و حق طبیعی: تحلیل مفهومی و تکامل تاریخی» شئون اجتماعی را تعیین‌کننده انکارناپذیری حقایق دانست. محمودی و حمیدزاده (۱۳۹۸) در یک تحقیق با عنوان «امکان‌سنجی گذار به حقوق طبیعی در روابط بین‌الملل» چنین عنوان داشت که برخی ملاحظات سیاسی می‌بایست معیار انکارناپذیری حقایق قرار گیرد و این مهم حسب علم سیاست ضرورت داشته و حقوقدانان می‌بایست از آن حمایت کنند. آقامحمدی آقایی (۱۳۹۹) در کتاب خود با عنوان «حقوق طبیعی و حقوق موضوعه، تهران» بیان داشت که هراندازه اثر تعصب بر وقایع تاریخی بیشتر باشد، انکار آن نیز بیشتر است، نیاز است باهدف حفظ مقدسات، بدون تعصب و با معیارهای مرتبط، آن را انکارناپذیر نمود. فروزا (۲۰۱۸) در یک کتاب با عنوان «حافظه و تنبیه» بیان داشت که در کشورهای با نظام حقوقی کامن‌لا، معیار انکارناپذیری وقایع تنها مسائل سیاسی است، چراکه تعصبات ملی در این کشورها کمتر کارایی دارد.



ناگاروال (۲۰۱۹) در یک تحقیق باعنوان «حمایت اجتماعی کیفری در جهان دیجیتال براساس قانون» بیان داشت که وقایع انکارناپذیر گاه با اهداف سیاسی و خارج از مرزهای کشورهای متعصب نسبت به آن مورد انکار قرار گرفته که انگلستان در این خصوص پیشگام است.

ویتران و اپلر (۲۰۱۹) در یک پایان‌نامه دانشجویی باعنوان «چه کسی طرح انکاری دارد» به برخی اسنادی اشاره داشت که به نقش یهودیان در واقعه هولوکاست حکایت داشت و آلمان را به سبب عدم استقلال منکر آن دانست.

امان و همکاران (۲۰۲۰) در یک کتاب باعنوان «دولت و حقایق رد شده» بیان داشت که برخی نظام‌های اداری جدید، رسماً انکار حقایق را به رسمیت شناخته که این مهم خارج از عرف اجتماعی می‌باشد.

ریان (۲۰۲۱) در یک تحقیق باعنوان «حقوق جزایی طبیعی» بیشترین اثرگذاری بر انکارناپذیری حقایق را تعصبات مذهبی دانست و استقلالات در تحقیقات این حوزه را رد نمود.

فیش (۲۰۲۱) در یک پایان‌نامه دانشجویی با عنوان «ضمینه‌های دروغ در ادعاهای حقوقی» به پیوند انکارناپذیری حقایق با انکار وقایع جنایی اشاره کرد. چنین عنوان گردید که حمایت کیفری از انکار وقایع ممکن است در ادله اثبات جرائم نیز اثرگذار باشد.

۴. ملاحظات مفهومی و نظری

ذیل این قسمت الگوهای اسلامی، ایرانی و غربی حمایت از حقایق انکارناپذیر مورد بحث قرار گرفته است.

۴-۱ الگوی اسلامی

ارزش هر جامعه، نوعی شناسنامه محسوب می‌شود و به همین دلیل می‌بایست از آن حمایت کرد. شبهه افکنی در خصوص برخی حقایق غیرقابل انکار، دارای آثار اجتماعی نامطلوبی بوده که نیاز به حمایت دارد. باتوجه به این که از ارزش‌های اجتماعی می‌بایست حمایت کیفری کرد، از حقایق انکارناپذیری که ارزش اجتماعی دارند، نیز می‌بایست حمایت کیفری نمود. بنابراین یکی از جنبه‌های غیرانکار بودن حقایق، اقتضائات جامعه است (جاوید و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۰). به‌عنوان مثال می‌توان به وقایع تاریخی اشاره داشت که برای یک جامعه ارزش محسوب شده و نگاه تعصب‌گرایانه به آن وجود دارد و در صورت ایجاد تردید در آن‌ها، به ارزش جوامع اهانت شده است. لهذا می‌بایست جهت محافظت از ارزش اجتماعی، حمایت کیفری از آن صورت گیرد. از دیدگاه علمی، ممکن است دلایل منطقی برای انکار یک به‌اصطلاح واقعیت وجود داشته و در مقابل دلایلی برای واقعیت‌نگاری وجود داشته باشد. این مهم در علوم تاریخی و مذهبی اهمیت فراوانی دارد. مورخان که مسئولیت خطیر نگاشت وقایع تاریخی را بر عهده‌دارند، بر مبنای اصول علمی نسبت به ثبت ماوقع اقدام کرده و در مقابل ممکن است با دلایل علمی این وقایع مورد انکار قرار گیرد. درعین حال برخی وقایع تاریخی با مسائل فرهنگی و مذهبی پیوند خورده که اصول اثباتی آن جنبه‌های تعصب‌گرایانه داشته و درعین حال با مقدسات، پیوندی تاریخی دارد (راسخ، ۱۳۹۲: ۱۰۰). در خصوص معیارهای انکارناپذیری نظرات مختلف وجود دارد. معیار نخست می‌تواند ارتباط وقایع با تعصبات جامعه باشد. از آنجاکه عرف جایگاه مهمی در مسائل حقوقی دارد، اظهارنظر برخلاف عرف امری ناپسند شمرده می‌شود. این مهم با تعصبات ملت‌ها پیوند خورده است. برای مثال: تعصب ملت‌های مسلمان نسبت به پیامبر اسلام (ص) موجب شده که کوچک‌ترین اظهارنظر در خصوص شخصیت ایشان، با واکنش سریع مواجه شود. به عقیده مسلمانان، دین اسلام حجت را بر همه تمام کرده و بنا بر ادله ارائه‌شده اسلامی، تعالیم اسلامی در بالاترین درجه اثبات قرار



داشته و غیرقابل انکار است. براین اساس معیار دیگر انکارناپذیری حقایق، می‌تواند ادله قوی اثبات آن باشد. همچون اثبات وجود خدا و پیامبری رسول اکرم (ص). از این رو معیار مذهبی نیز بر انکارناپذیری حقایق اثر دارد. چراکه گاه به‌موجب قوانین مذهبی تحقیق و شبه افکنی در این مورد خاص ممنوع است. می‌توان چنین بیان داشت که بسته به جایگاه وقایع در جوامع مختلف، قابلیت انکار یا عدم انکار آن موجود است. از نظر اجتماعی نیز انکار برخی وقایع می‌تواند به برهم خوردن نظم اجتماعی منتهی شود (راسخ، ۱۳۹۰: ۵۵).

اما در خصوص جایگاه حمایت کیفری از این حقایق، بحث‌های متنوعی مطرح است. در نظام قضائی امروزی، قانون‌گذار برای فعل/ترک فعل های ممنوع، مجازات تعیین کرده و با این اقدام، از برخی مسائل حمایت کیفری نموده است. کیفیت حمایت قضائی به میزان تناسب جرم با مجازات وابسته بوده و می‌بایست جنبه‌های تأدیبی، تنبیهی و بازدارنده در خصوص افعال ممنوعه لحاظ شود. همان‌طور که بیان شد، بسته به مقدسات ملی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی کشور، اثبات علمی برخی وقایع ضرورت داشته و درعین حال انکار برخی از وقایع به‌هیچ‌عنوان پذیرفته نبوده و تحقیقات خاص می‌بایست چارچوب قانونی یابد (قاری، ۱۳۹۴: ۵۵). بنابراین نظام قضائی مسئولیت تدوین چارچوب‌های لازم در خصوص تحقیقات این حوزه را داشته که می‌بایست با همکاری قوه مقننه به وضع قوانین تحقیقاتی منتهی شود. درعین حال برای تخطی از چارچوب تعیین شده می‌بایست مجازات‌هایی متناسب تعیین شود که کیفیت آن‌ها مصالح اجتماعی را حفاظت کند. به‌موجب ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی، حد مجازاتی است که موجب نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است. از طرف دیگر به‌موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی، منابع فقهی بخشی از منابع حقوقی کشور محسوب می‌شوند. با توجه به جایگاه فقه اسلامی در نظام حقوقی کشور، در آینده تقنینی، حدود شرعی برای انکارکنندگان مقدسات اسلامی در منابع حقوقی تصریح خواهد شد. اما در خصوص دیگر مسائل غیرشرعی قانون دارای خلأ است. هرچند که ارتکاب فعل برخلاف شئون جامعه و واکنش قوه قضائیه را بر می‌انگیزند، اما نیاز است که ضمن صراحت در مجازات این شهروندان، مانع از بیان نظرات انکارکننده حقایق شد. از طرف دیگر نحوه اثبات این جرائم نیز کاملاً مشخص نیست. در خصوص مقدسات شرعی، برخی ادله ذکر شده که اثبات آن در نظام قضائی را تقریباً غیرممکن می‌سازد (قاری و نیکویی، ۱۳۹۴: ۵۰). برای اثبات برخی جرائم که در شرع نیز از آنان نام آمده، وجود چهار شاهد لازم است و این به لحاظ خواست شرع مقدس برای اثبات نشدن این چنین جرائمی بوده است، درحالی‌که در صورت حضور چهار شاهد در محل جرم، این فعل ارتکاب نمی‌یافت. از طرف دیگر ذکر این چنین ادله مربوط به زمان صدر اسلام و متناسب با شرایط آن زمان بود، لیکن امروزه امکانات جدید نظیر فیلم و عکس می‌تواند به‌عنوان اماره قرار گرفته که نیاز به رسمیت حقوقی دارد. بنابراین نظام حقوق کیفری کنونی در حال حاضر به‌موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی و سپس ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص رد وقایع مذهبی مجازات حد شرعی تعیین شده معتبر است. اما در خصوص دیگر اظهارنظرهای غیراصولی، جرم انگاری صورت نگرفته است. هرچند که حسب تفسیر موسع اصل ۱۶۷ قانون اساسی، می‌توان اعمال خلاف عرف و شئون اسلامی را جرم دانست و به آن رسیدگی کرد، اما نیاز است که باهدف حمایت کیفری از وقایع غیرقابل انکار، ضمن تعریف دقیق معیارهای غیرقابل انکار بودن، برای متخلفان مجازات‌هایی تعیین کرد.

انکار وقایع در جنبه جرائم حق‌اللهی قرار داشته و لذا در حیطه حقوق عمومی قابل بحث است. نمی‌توان جنبه مدنی برای این مهم تصور شد. بنابراین انکار یک واقعه تاریخی مستقیماً حق‌الله و حق عامه جامعه را پایمال کرده و نه حق‌الناس. با توجه به اینکه



حقوق کیفری زیرشاخه حقوق عمومی قرار دارد و باتوجه به جنبه عمومی بودن جرم انکار برخی وقایع، می‌توان با حمایت کیفری مانع از آن شد. بنابراین قانون‌گذار کیفری با جرم انگاری، می‌تواند مانع از ارتکاب آن گردد. البته از جنبه جرم‌زدایی نیز بحث اقدامات پیشگیرانه قابل‌بحث است. قانون‌گذار می‌تواند ضمن الزام به اقدامات پیشگیرانه از این جرائم، برای ترک فعل آن نیز جرم انگاری کرده که جنبه مشترک جرم انگاری و جرم‌زدایی دارد (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۴).

مسائل تاریخی را می‌توان به دودسته وقایع و حوادث تاریخی دسته‌بندی نمود. چنانچه اشاره شد، وقایع به دسته‌ای از مسائل گفته‌شده که تردیدی در اصل آن وجود نداشته و حتی کسانی که منافع آن‌ها با این وقایع مخدوش شده، آن را تأیید نموده‌اند. به واقعه کربلا اشاره شد که اصل ماجرا حتی در کتب اهل سنت نیز وجود داشته ولیکن در خصوص برخی حقوق بین امام حسین (ع) و یزدی اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. بنابراین منطقاً زیر سؤال بردن واقعه تاریخی با مستندات قوی ممکن نبوده و می‌تواند احساسات یک گروه را خدشه‌دار نماید. لذا ضرورت داشته که جهت حمایت از حق و حقیقت، از چنین وقایعی حمایت کیفری نمود و منابع فقهی نیز به این مهم تأکید کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۳۲).

حوادث تاریخی که اصل آن هنوز هم زیر سؤال است، از نظر سیاسی و اجتماعی دارای منافع است که گاه مصلحت ایجاد کرده که در خصوص آن بحثی صورت نگیرد. این مصلحت توسط سیاست‌مداران قابل تشخیص بوده و در صورت لزوم می‌توان از آن حمایت کیفری نمود. درعین حال نیاز است که برای تحقیقات سالم در مورد وقایع تاریخی، اقداماتی انجام شود که نیاز است قانون‌گذار در این خصوص اقداماتی انجام دهد (میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۵).

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که بهترین راه‌حل حمایت کیفری از وقایع غیرقابل‌انکار، ابتدا تدوین سازوکار تحقیقات سالم در خصوص مسائل تاریخی و سپس جرم انگاری برای تخطی از آن است، به نحوی که بازدارندگی مناسبی ایجاد نماید. از این‌رو ملاک تشخیص وقایع تاریخی غیرقابل‌انکار قابل تبیین است.

۴-۲ الگوی ایرانی

در این راستا می‌بایست سیاست جنایی اتخاذ نمود که معروف‌ترین تقسیم‌بندی سیاست جنایی به شرح ذیل می‌باشد:

۴-۲-۱ سیاست جنایی تقنینی

مجموعه قواعد و مقررات و به‌طورکلی قانون به‌عنوان نماینده و نمودی از تدابیر و تفکرات، تبیین‌کننده اصول و مبانی اهداف سیاست جنایی می‌باشد. البته قانون مهم‌ترین منبع یک سیاست جنایی مطلوب نیز محسوب می‌شود. قانون بیانگر اندیشه‌ها و تدابیر، روش‌ها، اصول و مبانی سیاست جنایی یک کشور در مقابله با جرم و انحرافات اجتماعی است که باید آن را برگرفته از تمایلات، هنجارها و ارزش‌های یک جامعه دانست (نوبهار، ۱۳۸۷: ۵۹).

سیاست جنایی تقنینی اعم است از اقدامات سرکوبگر و اقدامات پیشگیرانه. ابزار اقدامات سرکوبگر همان توسل به تدابیر کیفری و مجازات است ولی ابزار اقدامات پیشگیرانه، تدابیری غیر کیفری است و مبتنی بر اجتماع نهادهای مدتی است که هر دو اقدام به‌منظور کنترل پدیده کیفری اعمال می‌شوند (نیکویی، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

۴-۲-۲ سیاست جنایی قضائی

سیاست جنایی قضائی، یعنی آن سیاست جنایی که در تصمیم و عملکرد دادگاه‌های دادگستری منعکس است، پس از آن که قانون‌گذار سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرد این قوانین و پیام‌های قانون‌گذار، به‌صورت‌های متفاوتی



درک و پذیرفته می‌شود. می‌توان گفت که قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی‌روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آن‌ها. به بیان دیگر، سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی، آن‌طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد (میرزایی، ۱۳۹۴: ۶۰).

۴-۲-۳ سیاست جنایی اجرایی

قوای اجرایی هر مملکت یکی دیگر از مراجع اعمال سیاست جنایی است. نحوه برخورد قوه مجریه با مسئله انحراف و جرم و در واقع نحوه نظارت و اجرای قوانین قوه مقننه خود جایگاه مهمی در سیاست جنایی دارد که از آن به «سیاست جنایی اجرایی» یاد می‌شود. سیاست جنایی اجرایی، اعمال راهکارهای اساسی و مؤثر پیرامون کاهش بزهکاری در جامعه به وسیله تصویب‌نامه و آیین‌نامه‌هایی که هر یک از بدنه قوه مجریه بدان عمل می‌نمایند می‌باشد (نوبهار، ۱۳۸۷: ۹۵).

۴-۲-۴ سیاست جنایی مشارکتی

مشارکت در لغت عبارت است از باهم شریک شدن و شرکت کردن باهم (فرهنگ لغت عمید) همکاری (فرهنگ لغت سره) حصه داشتن با یکدیگر (فرهنگ لغت دهخدا) و شریک شدن (فرهنگ لغت معین) آمده است. از واژه‌ی مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی، سهمیم شدن، مسئولیت‌پذیری، تقسیم‌کار ارائه‌شده است. با توجه به معانی مختلفی که از واژه مشارکت ارائه‌شده، مسلم است که از مفهوم آن نیز برداشت مختلفی صورت گرفته باشد. باین حال، با وجود اختلافاتی که بین برداشت‌ها وجود دارد، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت در عرصه‌ی توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند (میرزایی، ۱۳۹۴: ۸۸).

"ساموئل پل" از جمله افرادی است که تعریفی مرتبط با توسعه محلی از مشارکت ارائه کرده است. از نظر وی مشارکت محلی فرآیندی است فعال که در آن بهره‌مندان، به جای آن‌که صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، در جهت‌گیری و اجرای پروژه تأثیر می‌گذارند. وی برای مشارکت اهداف زیرا را قائل شده است: (کی نیا، ۱۳۸۸: ۶۰).

✓ مشارکت در هزینه‌ها.

✓ افزایش کارایی و اثربخشی پروژه.

✓ توانمندسازی بهره‌برداران از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و فعالیت‌های آگاهی‌بخش.

✓ افزایش اختیار (تسلط بخش‌های محروم جامعه بر منافع و تصمیماتی که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد).

عده‌ای دیگر با دیدی کلی و کلان به مفهوم مشارکت نگریسته‌اند و آن را چنین تعریف کرده‌اند: مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و درنهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آن‌ها با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته (نوبهار، ۱۳۸۷: ۹۵).

باتوجه به گسترش و رشد انواع بزهکاری و عدم کارایی ابزارهای نظام کیفری، مشارکت و همکاری تمامی افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با پدیده مجرمانه لازم است. سیاست جنایی مشارکتی یعنی «سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه، غیر از پلیس با قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌شود. سیاست جنایی مشارکتی، کم‌هزینه‌ترین راه مقابله با پدیده مجرمانه است. در واقع شرکت دادن مردم در سیاست جنایی به این



معناست که، پیشگیری و سرکوب بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می‌شوند و اگر امر سرکوبی جرم را مرتبط با همه افراد جامعه بدانیم، خواهیم پذیرفت که تجربه‌های پیشگیری و سرکوبی نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه مکمل یکدیگرند «و نهادهای سرکوب گر مثل پلیس با شرکت مردم در سیاست جنایی دیگر انحصار سرکوبی و مجازات کردن را در اختیار ندارند و به‌علاوه این نهادها امروزه پیش‌گیرنده از بزهکاری نیز می‌باشند.»

از دیگر جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی در قانون اساسی، شوراها می‌باشد. اصل یک‌صدم از فصل هفتم این قانون فلسفه تشکیل شوراها را پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم ذکر نموده اصولی که به آن‌ها اشاره شد در واقع اصولی است که به‌طور مستقیم راه را برای شرکت مردم در انجام امور فراهم می‌کند.

همچنین اصول ۱۴۵ و ۱۶۸ قانون اساسی به حضور و مشارکت مردم در امور حقوقی و قضایی پرداخته و به ترتیب مقرر می‌دارند. «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی بانظم عمومی باشد، با در دعوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

«رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلام معین می‌کنند.»

در طول تاریخ وقایعی حادث شده که برای هر ملت، نوعی ارزش محسوب شده و بر مبنای آن اقداماتی صورت گرفته است. از این رو انکار این وقایع به‌طور کلی تاریخ یک ملت را زیر سؤال می‌برد. ذیلاً به مواردی از این وقایع تاریخی اشاره شده است:

✓ واقعه کشتار ارامنه توسط امپراتوری عثمانی در زمان جنگ جهانی نخست که مبنای حمایت دولت ارمنستان از ارامنه سراسر جهان می‌باشد.

✓ واقعه کشتار هولوکاست که در جریان جنگ جهانی دوم میلیون‌ها یهودی به دست رژیم نازی به قتل رسیده و مبنای اشغال فلسطین قرار گرفت.

✓ واقعه حمله مغول‌ها به ایران که وحشی‌گری این قوم را به‌پیش کشیده و می‌تواند بر روابط بین ایران و مغولستان اثرگذار باشد.

✓ جنگ ایران و عراق که می‌تواند مبنای دریافت خسارت از عراق توسط ایران باشد.

✓ و

وقایع تاریخی در صدر انکار قرار داشته و با توجه به آثار قابل توجه برخی از این وقایع، انکار آن‌ها با واکنش‌های گسترده مواجه می‌گردد. بنابراین در اینجا بحث ارزش مطرح شده که به‌واسطه وقایع تاریخی ایجاد گردیده و هرگونه تلاش برای نفی آن‌ها ممکن نخواهد بود. جمعیت طرفداران واقعه تاریخی بر ارزشی بودن آن اثر دارند. به‌عنوان مثال ذکر شود که ممکن است یک واقعه تاریخی مظلومیت یک قوم را به تصویر کشیده و به‌واسطه این مظلومیت، در طول تاریخ مطالباتی داشته و به همین علت به آن دست‌یافته‌اند. در صورتی که واقعه تاریخی زیر سؤال رود، مطالبات آن قوم که در طول تاریخ خواهان آن بوده‌اند زیر سؤال رفته و از این جهت با مخالفت‌های گسترده مواجه خواهد شد. بنابراین بحث ارزش جامعه پدیدار شده که دارای حامیانی خواهد بود. فلذا



می‌توان بیان داشت که غیرقابل انکار بودن یک واقعه به طرفداران پشتیبان یک واقعه تاریخی وابسته بوده که اجازه بحث در این خصوص را نمی‌دهند.

به‌عنوان مثال ذکر شود که با توجه به لابی صهیونیست‌ها در کشورهای غربی، به‌هیچ‌وجه اجازه بحث در خصوص هولوکاست داده نشده و این مهم در کشورهای اروپایی که خواستگاه هولوکاست بود، با واکنش سریع مواجه خواهد شد. این مثال در دیگر مصادیق وقایع تاریخی قابل تعمیم است.

خارج از بحث منافع و ارزش‌ها، گاه یک واقعه تاریخی به سبب اصل منطق واقعیت غیرقابل انکار است. به‌عنوان مثال واقعه عاشورا از اساس بر مظلومیت امام حسین (ع) و یارانش استوار بوده و حتی در منابع اهل سنت نیز چنین واقعه‌ای را تأیید کرده‌اند. اما از جنبه‌های عدالتی و حق، چنین قیامی مابین علمای اسلامی تشیع و تسنن اختلافاتی وجود دارد. بنابراین این واقعه در اصل اتفاق افتاده و جدا از مسائل سیاسی و حقوقی، انکار آن غیرمنطقی محسوب شده و جزئی از حقایق تاریخی محسوب می‌گردد.

۳-۴ الگوی غربی

گاه ممکن است به سبب مسائل سیاسی، انکار یک واقعه ممکن نباشد. معروف‌ترین جنبه انکار حقیقت در جهان، هولوکاست بوده که اثر مهم این ماجرای تاریخی، مظلوم‌نمایی قوم یهود و اشغال فلسطین بود. برخی مورخان با توجه به آثار مهم این حادثه، با ذکر دلایلی آن را مورد تردید قرار داده‌اند. با توجه به پیوند این واقعه با مقدسات دین یهود و مبانی تشکیل رژیم صهیونیستی، از روابط سیاسی برای واقعیت‌نگاری این ماجرا استفاده شده و با حمایت کیفری، امروزه اظهارنظر در مورد این موضوع در کشورهای اروپایی جرم‌انگاری شده است. ماحصل بحث اینکه در هر جامعه بسته به اقتضات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و ... شبهه افکنی در خصوص برخی حقایق به صلاح نبوده و با توجه به ارزش و اهمیت آن، می‌بایست از آن حمایت کیفری نمود. این حمایت در مرحله اول شامل جرم‌انگاری در این خصوص بوده که جنبه بازدارندگی آن نیز دارای اهمیت است. بنابراین با همکاری قوای مجریه و قضائیه، می‌بایست با شبهه افکنی در این خصوص مقابله کرد. فلذا حمایت از برخی حقایق انکارناپذیر به‌صورت کلی ضرورت داشته که حمایت کیفری جنبه‌ای از آن است (راسخ، ۱۳۸۸: ۴۵).

برای مثال مبنای اشغال فلسطین و تشکیل کشور برای یهودیان، استناد به تاریخ یهود و ظلم‌های وارده بر آنان در ادوار مختلف تاریخ است. بنابراین نظم اجتماعی صهیونیست‌ها بر همین مبنا شکل گرفته و پایه و اساس توجیه وجود اسرائیل را مبنای تاریخی تشکیل می‌دهد. اگر به‌صراحت با این مبنا مقابله شده و نسبت به انکار آن اقدام شود، درواقع توجیه وجودی این رژیم از بین رفته و نظم این جامعه برهم خواهد ریخت. فلذا رژیم مذکور به همراه دوستان غربی خود با استفاده از قوانین کیفری سعی در ممنوعیت تحقیق در این باره دارند. با توجه به موارد گفته‌شده، معیارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز برای انکارناپذیری حقایق وجود دارد. اما در خصوص حمایت کیفری، می‌توان به لزوم حمایت حداکثری اعتقاد داشت. چنانچه بیان شد معیار انکارناپذیری حقایق متفاوت است که شدت حمایت نیز به آن وابسته خواهد بود. بنابراین بسته به آثار نامطلوب انکار حقایق، معیار حمایت نیز متفاوت است. به‌واقع می‌توان معیار حمایت کیفری را متناسب با معیار انکارناپذیری دانست. این حمایت می‌تواند حداکثری یا حداقلی باشد. البته در خصوص آزادی بیان نیز بحث‌هایی وجود دارد. در کشورهای غربی آزادی بیان نسبتاً مطلق فرض شده، لذا معیار انکارناپذیری حقایق به‌جز در برخی موارد خاص همچون هولوکاست، حداقلی است درحالی‌که در کشور ما آزادی بیان مشروط به مصالح اجتماعی شمرده شده است (طالبی، ۱۳۹۰: ۷۷).



در کشورهای غربی که نظام حقوقی کامن لا حاکم است، نمی‌توان به‌صورت دقیق قاعده مشخصی در برخی امور تعیین نمود. از این رو تعیین برخی قواعد به انعطاف‌پذیری حاکمان مرتبط است. در نظریه نخست، اصل آزادی بیان می‌بایست به‌صورت مطلق بوده و دولت‌ها حق دخالت در آن را ندارند. به‌موجب همین اصل، روزنامه‌های سوئدی در سال ۲۰۱۰ مطالبی علیه صهیونیست‌ها نوشته و دولت سوئد با بهای تیرگی روابط با رژیم صهیونیستی حاضر به ممانعت از انتشار آن نشد (واشنگتن پرز، ۲۰۱۴: ۵۵). در کشور فرانسه و دانمارک نیز همین الگو مشاهده شده و انتشار مطالب توهین‌آمیز به پیامبر (ص) نمونه بارز پذیرش این نظریه است (لیسکا، ۲۰۱۳: ۱۳۶). اما به عقیده اکثریت حقوقدانان هیچ قاعده مطلق حقوقی وجود نداشته و حمایت کیفری در الگوی سیاسی نهفته است (توماس، ۱۹۴۵: ۵۰). بر همین اساس اتحادیه اروپا اظهارنظر در خصوص هولوکاست را ممنوع نمود و برای انتشار مطالب یهودستیزانه نیز جرم‌انگاری انجام داد (لیسکا، ۲۰۱۵: ۱۲۰۰). در دنیای غرب، رابطه نزدیک با ایالات متحده ضرورت داشته و در عین حال جلب نظر حاکمان این کشور به حمایت از رژیم غاصب صهیونیستی نیز وابسته است (عکاشی، ۱۹۹۸: ۶۸). بر این اساس اختیارات روسای جمهوری کشورهای همچون فرانسه و آلمان با دستور ممنوعیت انتشار مطالب علیه یهودیان و صهیونیست خود را نشان داد و اصل مذکور زیر سؤال رفت (سیس، ۲۰۰۲: ۳۵). ایده معروف برتری منافع سیاسی بر قواعد حقوقی عمدتاً بر حقوق بین‌الملل سایه افکنده است (ماکینن، ۲۰۰۸: ۱۲۵۱). در این الگو، اثرگذاری روابط بین‌الملل بر حقوق کیفری داخلی نیز خود را نشان داده و از این رو در الگوی غربی، منافع سیاسی بر حمایت کیفری از این حقایق اثرگذار است.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش، با اتخاذ روش استدلالی و تحلیل توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مدنظر قرار دادن مواد قانون و آراء و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آن‌ها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های حقوقی و جمع‌آوری و بررسی آن‌ها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد، همچنین روش تجزیه و تحلیل و بررسی، به‌صورت تحلیلی توصیفی است.

۶. یافته‌ها

با توجه به بررسی الگوهای سه‌گانه، ذیلاً یافته‌های این بررسی ذکر شده است.

۶-۱- بایسته‌های تقنینی

در کشور ما، در رابطه با حمایت از حقایق انکارناپذیر، تنها الگوی اسلامی که همان حد شرعی می‌باشد قابل تبیین است. نیاز است که در منبع حقوقی مستقل، تمامی ارکان انکار حقایق بررسی گردد. اولاً می‌بایست از حقایق تاریخی تعریفی ارائه گردد. سپس به تقسیم‌بندی آن پرداخته شده و سازوکار تحقیقات علمی نیز در فصلی جداگانه تبیین گردد. بر این اساس برای تحقیقات خارج از چارچوب مذکور، مجازات تعیین شود. حدود شرعی برای انکار حقایقی که با مقدسات اسلامی مرتبط می‌باشد وضع شده و از جنبه تعزیری، نیاز است که مصالح اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گیرد. برای انکار حقایق تاریخی که به امنیت اجتماع وی سیاسی



خداوند می‌نماید می‌بایست مجازات قرارداد و بدین‌صورت از این‌گونه حقایق حمایت کیفری نمود. الگوی غربی که بر پایه منافع سیاسی استوار است، در کشور ما نیز قابلیت اعمال دارد، چراکه در الگوی ولایت‌فقیه، مصالح ملی و سیاسی نیز مدنظر قرار گرفته و گاه برای حمایت از آن نیاز است که تصمیماتی اتخاذ نمود. شناخت دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی برای تعیین محدودیت‌های این حوزه ضرورت دارد. بدین‌صورت از انکارناپذیری حقایق حمایت می‌گردد.

۶-۲ بایسته‌های اجرایی

در حیطه اجرایی نیاز است که مقررات در چارچوب قوانین موضوعه مرتبط تبیین گردد. با توجه به اینکه حوزه‌های حقایق تاریخی متفاوت است، می‌توان در قوانین موضوعه، وضع مصادیق انکارناپذیری به مقررات اجرایی سپرده شود. مؤسسات تحقیقاتی که در حیطه تاریخ و مسائل مذهبی فعالیت دارند، می‌توانند تحت نظارت مقررات و بخشنامه‌های ارسالی توسط هیئت دولت فعالیت کرده و مصادیق ممنوعیت‌ها در این قوانین ذکر شود. طبیعتاً مقررات اجرایی مختار به تعیین مجازات نیست، اما می‌توان معرفی به قوه قضائیه و استناد به مجازات اعمالی در قانون موضوعه را در ماده قانونی مرتبط ذکر نمود.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طبیعتاً آزادی بیان به‌صورت مطلق در هیچ‌جای دنیا پذیرفته‌شده نیست و کشورهای مدعی آزادی بیان، در مصادیق مختلف آن را محدودش نموده‌اند. بنابراین الگوی مردم‌سالاری دینی که آزادی در چارچوب قانون را صحیح می‌داند، بیشتر موردقبول است. بر این اساس، می‌توان اولاً در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی، حساسیت‌های اجتماعی را شناسایی و مبنای حمایت کیفری را همین موارد قرارداد. ثانیاً حدود شرعی انکار برخی حقایق را در منابع حقوقی ذکر نمود. الگوی اسلامی کامل بوده و نیاز به اصلاح ندارد. اما الگوی ایرانی نیازمند تکمیل شدن است. بر این اساس نیاز است که اولاً مصادیق انکارناپذیری حقایق تعیین‌شده و سپس مجازات بازدارنده برای آن تعیین نمود. ثانیاً سازوکار تحقیقات سالم را در منابع حقوقی تعیین کرد و درنهایت اینکه تعیین مصالح اجتماعی و سیاسی ممنوعیت انکار حقایق را برای ولی امر مسلمین محرز دانست. پیشنهاد می‌شود که با وضع منبع حقوقی مرتبط، از حقایق غیرقابل‌انکار حمایت کیفری نموده و بدین‌صورت مانع از به هم ریختن نظم جامعه شد که معمولاً توسط اظهارنظرهای خودسرانه ایجاد می‌شود.



منابع

الف) منابع فارسی

۱. آقا محمدی آقایی، احسان (۱۳۹۹) حقوق طبیعی و حقوق موضوعه، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ج ۱، ج ۱.
۲. پرهام، باقر (ترجمه شده از لئو اشتراوس) (۱۳۹۳) حقوق طبیعی و تاریخ، تهران، آگاه، ج ۱، ج ۳.
۳. پیشوائی، مهدی (۱۳۹۶) تحلیل فقهی و حقوقی اسباب تملک در مالکیت فکری، دانشگاه قم، کارشناسی ارشد.
۴. جاوید، محمدجواد؛ شفیع زاده خولنجانی، مصطفی؛ شفیع زاده خولنجانی، مجتبی (۱۳۹۱) جوهر حقوق بشر در نظریه های حقوق طبیعی و حقوق اسلامی، پژوهش نامه اندیشه های حقوقی ۱ (۳) ۸۱-۱۱۱.
۵. راسخ، محمد (۱۳۹۲) حق و تکلیف در عصر قدیم، در حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش ۲، تهران، نی، ج ۱، ج ۲.
۶. راسخ، محمد (ترجمه شده از لاگین، مارتین) (۱۳۸۸) مبانی حقوق عمومی، تهران، نی، ج ۱، ج ۱.
۷. راسخ، محمد (ترجمه شده از هارت هربرت) (۱۳۹۰) مفهوم قانون، تهران، نی، ج ۱، ج ۲.
۸. طالبی، محمدحسین (۱۳۹۰) نظریه بدیع قانون طبیعی در حکمت عملی اسلام، معرفت فلسفی ۹ (۲) ۱۸۱-۲۰۳.
۹. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ نیکویی، مجید (۱۳۹۶) حقوق طبیعی و حق طبیعی: تحلیل مفهومی و تکامل تاریخی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران ۳ (۴۷) ۷۴۷-۷۶۹.
۱۰. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۴) حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، شهر دانش، ج ۱، ج ۱.
۱۱. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ نیکویی، مجید (۱۳۹۴) اندیشه ابن سینا: الهام بخش نظریه حقوق طبیعی آکوناس، فصل نامه پژوهش تطبیقی اسلام و غرب ۲ (۲) ۴۹-۷۶.
۱۲. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵) گفتگو پیرامون حق، حکم و تکلیف، در حق، حکم و تکلیف، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱، ج ۱.
۱۳. محمودی، سید هادی؛ حمیدزاده، رضا (۱۳۹۸) امکان سنجی گذار به حقوق طبیعی در روابط بین الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی ۲۲ (۸۶) ۲۶۵-۲۹۰.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰) نظریه حقوقی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱، ج ۲.
۱۵. میرزایی، علیرضا (ترجمه شده از جانسون، دیوید) (۱۳۹۴) مفهوم عدالت در گستره تاریخی، تهران، راه نوین، ج ۱، ج ۱.
۱۶. نوبهار، رحیم (۱۳۸۷) حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، تهران، جنگل، جاودانه، ج ۱، ج ۲.
۱۷. نیکویی، مجید (۱۳۹۱) نقد نظام حقوق بشر بین الملل در پرتو نظریه عدالت جهانی جانر الز: رویکردی انتقادی، مجله حقوقی دادگستری ۷۶ (۷۹) ۱۲۵-۱۵۴.
۱۸. نیکویی، مرضیه (۱۳۹۰) از حقوق طبیعی تا اثبات گرایی حقوقی، دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد.
۱۹. علی پورجواد، پوررشیدی هاتف (۱۳۹۹) «تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، دوره ۸، شماره ۲، ص ۱۶۷-۱۴۰.

ب) لاتین

۱. Akashi, K. (۱۹۹۸). Cornelius van Bynkershoek: his role in the history of international law (Vol. ۴). Martinus Nijhoff Publishers.
۲. Eman, K., Meško, G., Segato, L., & Migliorini, M. (Eds.). (۲۰۲۰). Water, Governance, and Crime Issues. Springer Nature.
۳. Fish, S. (۲۰۲۱). Appendix Academic Freedom, the First Amendment, and Holocaust Denial (a talk given by the author at Rice University, April ۲۰۱۲). In Versions of Academic Freedom. University of Chicago Press.
۴. Fronza, E. (۲۰۱۸). Memory and punishment: historical denialism, free speech and the limits of criminal law (Vol. ۱۹). Springer.
۵. Lisska, A. J. (۲۰۱۳). Human rights theory rooted in the writings of Thomas Aquinas. Diametros, (۳۸), ۱۳۴-۱۵۲.



- ۶ Lisska, A. J. (۲۰۱۵). Brian Tierney, Liberty and Law: The Idea of Permissive Natural Law, ۱۱۰۰-۱۸۰۰. Washington, DC: Catholic University of America Press, ۲۰۱۴. Paper. Pp. xii, ۳۸۰. ۳۹,۹۵\$. ISBN: ۹۷۸-۰-۸۱۳۲-۰۰-۹۷۸. Speculum, ۹۰(۲).
- ۷ Mäkinen, V. (۲۰۰۸). The Evolution of Natural Rights Tradition, ۱۱۰۰-۱۴۰۰.
- ۸ Nagarwal, N. (۲۰۱۹). Social Media Crime in Digital World-A Critique through Law, Policy and Practice. Indian JL & Just., ۱۰, ۳۴.
- ۹ Ryan, M. G. (۲۰۲۱). Rights and Duties of the Press in Criminal Cases. Denver Law Review, ۲۷(۱۰), ۳۸۲.
- ۱۰ Syse, H. (۲۰۰۲). Which Nature, Whose Law—and What About Rights?: Reflections on Natural Law as a Tradition of Universalist Ethics. In Universal Ethics (pp. ۳-۳۳). Brill Nijhoff.
- ۱۱ Thomas, S. (۱۹۴۵). Basic Writings of Saint Thomas Aquinas: Man and the conduct of life: Summa contra gentiles (III, chapters ۱۱۳-۱) (Vol. ۲). Random House.
- ۱۲ Whitzman, C., & Eichler, M. (۲۰۱۹). What do you want to do? Pave parks?. In Change of Plans. University of Toronto Press.

ج) منابع حقوقی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۹.
۲. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.



Iran's Islamic model of supporting facts with a view to a similar model in the European Union

(Taken from the doctoral thesis)

Abstract

Any person can make comments about a historical event, but these correct or incorrect comments can have significant social effects and therefore require the government's intervention in this regard. This research was done by analytical-descriptive method and its purpose is to analyze the Islamic-Iranian model of supporting the facts. It was concluded that free investigation regarding the facts cannot be considered absolute and such freedom has not been granted anywhere in the world. Therefore, social interests have demanded that comments regarding some historical events are criminalized, which can be part of Islamic sacredness. At the same time, even if the statements are true, there should be limits for research in this field. In our country, the death penalty for those who insult Islamic holy things has been provided, which completes the Islamic model of this matter, but there was no discussion about social expediency, which requires the attention of criminal legislators in this regard. The Islamic Penal Code is also not complete in this regard, so it is suggested to determine the punishments for denying some historical events.

Key words:

Truth, Denial of the event, Extreme punishment, Sanctities, Benefits.